



11222

دانشکده اصول الدین قم

گروه: علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

«سرور و شادمانی از دیدگاه قرآن و حدیث»

استاد راهنما:

دکتر منصور پهلوان

استاد مشاور:

دکتر مجید معارف

نگارش:

سیده گل سیمای امامی العریضی

نیمسال: اول

سال تحصیلی: ۸۵ - ۸۴

۱۰۱۴۴۲

کتابخانه دانشگاه قم
تاسیس ۱۳۸۸

۱۳۸۸ / ۲ / ۱۴

۱۱۲۲۶۶



«الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون،
ولا يحصى نعماءه العادون، ولا يؤدى حقه
المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم، و
لا يناله غوص الفطن»

«نهج البلاغه - خطبه اول»

سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او
عاجزند، و حسابگران از شمارش نعمت‌های او
ناتوان، و تلاشگران از ادای حق او درمانده‌اند.
خدایی که افکار ژرف‌اندیش، ذات او درک
نمی‌کنند و دست غواصان دریای علوم به او
نخواهد رسید.





تقديم به پیشگاه

سرّ مکنون الهی

حضرت «حجة بن الحسن المهدي» (عج)

او که ذخیره الهی است، تا فرائض و سنن
فراموش شده دین را تجدید نماید. و هم
او که احیاءکننده قرآن کریم و حدود آن
است. (دعای ندبه)

«یا ایها العزیز، مسنا و أهلنا الضرّ و جثنا
بیضاعة مزجاة، فأوف لنا الکیل و تصدّق
علینا، انّ الله یجزی المتصدّقین»

(یوسف / ۸۸)



فهرست مطالب

<p>۲۴ بکاء:</p> <p>۲۴ خزن:</p> <p>۲۴ مترادف یا تضاد واژه‌ها:</p> <p>۲۵ تقابل واژه‌ها:</p> <p>۲۶ مترادف واژه‌ها:</p> <p>۲۸ تفاوت بین واژه‌ها:</p> <p>۲۸ فرح و سرور:</p> <p>۲۹ نضره و سرور:</p> <p>۲۹ فرح و مرح:</p> <p>۲۹ بطر و آشر:</p> <p>۳۰ فرح و بطر:</p> <p>۳۰ بشاشه و بشرالوجه:</p> <p>۳۱ شناسایی شادی:</p> <p>۳۱ شناسایی هیجان:</p> <p>۳۳ تعریف شادی:</p> <p>۳۷ انواع شادی:</p> <p>۳۷ الف - شادی طبیعی و اکتسابی:</p> <p>۳۸ ب - شادی پایدار و شادی گذرا:</p> <p>۳۹ ج - شادی مثبت و شادی منفی:</p> <p>۴۱ مفهوم شادی:</p> <p>۴۱ الف - ستایش تساوی از نظر آیات و روایت:</p> <p>۴۴ ب - نکوهش شادی:</p> <p>۵۷ ج) آیات اخباری شادی:</p> <p>۵۹ جلوه‌های شادی در دنیا:</p>	<p>۳ فصل اول: کلیات</p> <p>۴ مقدمه:</p> <p>۱۲ بیان مسأله:</p> <p>۱۳ سوال‌های تحقیق:</p> <p>۱۳ فرضیه‌های تحقیق:</p> <p>۱۴ هدف‌ها:</p> <p>۱۵ فصل دوم: «مفهوم شادی»:</p> <p>۱۶ واژه‌شناسی شادی و سرور:</p> <p>۱۶ تبسم:</p> <p>۱۶ بررسی واژه‌های شادی (ترادف، تضاد و تفاوت واژه‌ها):</p> <p>۱۷ بشر:</p> <p>۱۷ بشاشه:</p> <p>۱۷ بطر:</p> <p>۱۸ حبور:</p> <p>۱۹ سرور:</p> <p>۱۹ ضحک:</p> <p>۲۰ طرب:</p> <p>۲۰ فرح:</p> <p>۲۱ فکاهه:</p> <p>۲۱ مرح:</p> <p>۲۲ مزاح:</p> <p>۲۲ نشاط:</p> <p>۲۳ نضرة:</p> <p>۲۳ آسی:</p>
--	---

۹۴.....	تحرك جسمى و ورزش:	۶۲.....	توهم شادى
۹۶.....	ازدواج:	۶۷.....	فصل سوم: منشاء شادى
۹۶.....	استحمام:	۶۸.....	منشأ شادى و سرور
۹۷.....	عوامل معنوى شادى:	۶۹.....	زمينه‌هاى ايجابى شادى:
۹۷.....	انجام دادن وظايف رشدى:	۶۹.....	ايمان:
۹۹.....	احساس توانگرى:	۷۰.....	رضايت درونى
۹۹.....	موفقيت:	۷۳.....	احساس عزت نفس
۱۰۰.....	تفريح و گردش:	۷۵.....	كشف و تأمين متعادل نيازهاى انسان
۱۰۲.....	پاكيزگى:	۷۶.....	توجه به روابط اجتماعى پايدار
۱۰۲.....	هديه:	۷۷.....	اميدوارى
۱۰۳.....	برخوردارى از هدايت الهى:	۸۰.....	عاقبت‌اندیشى
۱۰۴.....	محبت:	۸۱.....	نداشتن حالت ركود روحى
۱۰۴.....	كار و فعاليت سالم:	۸۱.....	عوامل مادى شادى
۱۰۵.....	پرهيز از عوامل اندوه:	۸۲.....	ادراك بينابى
۱۰۷.....	موانع شادى [زمينه‌هاى سلبى شادى]:	۸۲.....	رنگهاى روشن
۱۰۷.....	موانع شناختى	۸۴.....	منظره‌هاى طبيعى
۱۰۷.....	خودپندارى منفى:	۸۴.....	آراستگى
۱۰۷.....	شادى‌هاى نشدنى:	۸۶.....	بهره‌مندى از زيبابى‌ها:
۱۰۹.....	باورهاى خرافى:	۸۷.....	تبسم و خوشروى
۱۰۹.....	موانع عاطفى:	۸۷.....	ديدن فرزند و دوستان:
۱۰۹.....	بى‌توجهى به زمينه‌ها و عوامل شادى:	۸۸.....	ادراك شنواى:
۱۱۰.....	اضطراب و نگرانى:	۸۸.....	صدای زيبا:
۱۱۰.....	ناامنى روانى:	۸۹.....	شوخی:
۱۱۱.....	كمبود محبت:	۹۰.....	گفت و گوهاى دوستانه:
۱۱۲.....	موانع رفتارى:	۹۲.....	مسواك زدن:
۱۱۲.....	آگاهى نداشتن از رفتار مناسب:	۹۲.....	ادراك چشماى (تغذيه مناسب):
۱۱۳.....	كسالت:	۹۴.....	ادراك بساواى:

۱۲۹	نامیدی:.....	۱۱۴	موانع توهمی شادی:.....
۱۳۰	برخوردهای تنش‌زا:.....	۱۱۴	یاد مرگ و آخرت:.....
۱۳۰	ذلت و خواری:.....	۱۱۶	مذهب:.....
۱۳۱	محبوب خدا نبودن:.....	۱۱۸	مراسم سوگواری ائمه علیهم‌السلام.....
۱۳۱	هلاکت:.....	۱۱۹	حجاب:.....
۱۳۱	تفاوت فرد شادمان و ناشادمان.....	۱۲۰	زمینه‌های شادی منفی:.....
۱۳۱	حیطه شناختی:.....	۱۲۰	ثروت فراوان:.....
۱۳۴	حیطه عاطفی:.....	۱۲۰	فرار از تکلیف:.....
۱۳۶	حیطه رفتاری:.....	۱۲۱	غفلت و فراموشی:.....
	فصل پنجم: «تحلیل گزاره‌های منفی نگر درباره	۱۲۱	نفاق:.....
۱۳۹	شادی».....	۱۲۲	غرور:.....
۱۴۰	نکوهش شادی در روایات.....	۱۲۲	توجه نداشتن به مرگ:.....
۱۴۰	مفهوم شادی.....	۱۲۳	فصل چهارم: «پیامدهای شادی».....
۱۴۱	جلوه‌هایی از شادی:.....	۱۲۴	پیامدهای شادی مثبت.....
۱۴۲	خنده:.....	۱۲۴	رویکرد مثبت به زندگی:.....
۱۴۳	انگیزه‌های خنده:.....	۱۲۴	شکوفایی اخلاقی‌ها:.....
۱۴۴	ره آورد خنده:.....	۱۲۵	توشه برای انجام وظایف:.....
۱۴۶	تحلیل روایات درباره خنده.....	۱۲۵	برقراری روابط صحیح اجتماعی:.....
۱۴۷	مرزهای خنده:.....	۱۲۵	اعتماد به نفس:.....
۱۴۹	شوخی.....	۱۲۶	انبساط روحی:.....
۱۴۹	روایات درباره شوخی.....	۱۲۶	رعایت حقوق دیگران:.....
۱۵۰	تحلیل روایات درباره شوخی.....	۱۲۶	سلامت جسمی و روحی:.....
۱۵۱	آفات شوخی:.....	۱۲۷	پیامدهای شادی منفی.....
۱۵۴	انگیزه‌های شوخی.....	۱۲۸	اندوه:.....
۱۵۵	نمونه‌هایی از شوخی.....	۱۲۸	عذاب الهی:.....
۱۵۵	جایگاه حزن و اندوه.....	۱۲۸	تکبر و فخر فروشی:.....
۱۵۸	تبیین گزاره‌های مخالف اندوه:.....	۱۲۹	گمراهی:.....

۱۷۷..... یاد مرگ:	۱۶۰..... تبیین گزاره‌های موافق اندوه:
۱۷۷..... نماز:	۱۶۱..... تحلیل روایات:
۱۷۸..... پاکیزگی:	۱۶۵..... زمينه‌های اندوه:
۱۷۸..... ذکر:	۱۶۵..... حیطه شناختی:
۱۷۸..... و عوامل دیگر:	۱۶۶..... مرگ و جدایی:
۱۷۹..... فصل ششم: «الگوها و آسیبهای شادمانی»	۱۶۷..... عاقبت کار را نیندیشیدن:
۱۸۰..... الگوهای شادمانی	۱۶۷..... خودپنداری منفی:
۱۸۲..... امام حسین علیه‌السلام و کربلا:	۱۶۸..... نداشتن رضایت به قضا:
۱۸۳..... آسیب‌شناسی فرد شادمان	۱۶۸..... سوءظن:
۱۸۵..... شادی از راه غیرمجاز:	۱۶۸..... اندوه فردا:
۱۸۶..... پیامد سوء داشتن:	۱۶۹..... حیطه عاطفی:
۱۸۶..... غفلت از یاد خدا:	۱۷۰..... طمع به امکانات دیگران:
۱۸۶..... غفلت از آخرت:	۱۷۱..... کینه:
۱۸۷..... غفلت از تکلیف دینی:	۱۷۱..... استمرار غم:
۱۸۷..... شادی همراه با حرام:	۱۷۱..... حرص:
۱۸۸..... نتایج:	۱۷۲..... ناپایداری:
۱۸۹..... پیشنهادات:	۱۷۲..... توقع بیجا:
۱۹۰..... کتابنامه	۱۷۳..... حیطه رفتاری:
	۱۷۳..... کوتاهی در کار:
	۱۷۴..... خطا:
	۱۷۴..... نجوی:
	۱۷۵..... سایر موارد:
	۱۷۵..... راه‌های درمان اندوه:
	۱۷۵..... تغییر نگرش:
	۱۷۶..... پایداری:
	۱۷۶..... حفظ زبان:
	۱۷۶..... توجه کردن به ارزش اشیا:

چکیده:

روان‌شناسی در عصر کنونی مسئول سلامت روح و روان انسان‌هاست. اما روان‌شناسی بیش از آنکه در جهت پیشگیری از امراض گام بردارد و راه و رسم شاد زیستن را به انسان بیاموزد به درمان امراض روانی روی آورده و یا با تحمیل شادی از طریق داروهای شیمیایی مسیری کاملاً نامتعارف را پیش روی انسان‌ها می‌گذارد. دلیل اصلی این رویکرد روان‌شناسی نفی حزن و اندوه و تایید مطلق سرور و شادمانی است دین اسلام که دین جامع و کاملی است، در این مسیر دستورالعمل زیبایی را در جهت شاد زیستن ارائه می‌کند که نه تنها انسان را به بطالت و پوچ‌گرایی سوق نمی‌دهد بلکه در جهت رسیدن به کمال انسانی هدایت می‌کند. اسلام دین فطرت است از این رو روان‌شناسان اسلام ناب‌ترین فرضیه‌های روان‌شناسی را در دین اسلام مشاهده می‌کنند به گونه‌ای که آنها را از تمام فرضیه‌های مادی روان‌شناسان غربی بی‌نیاز می‌کند.

این پایان نامه قصد دارد تا در حد توان دیدگاه اسلام را راجع به سرور و شادمانی برگرفته از قرآن و روایات معصومین ارائه نماید.

در فصل اول؛ به کلیات موضوع پرداخته و مقدمه مبسوطی از زیربنای شادمانی در علوم اسلامی و غیراسلامی ارائه می‌شود.

فصل دوم؛ بعد از واژه‌شناسی به بررسی مفهوم شادی از نظر آیات و روایات می‌پردازد.

فصل سوم؛ به بررسی منشأ، زمینه‌ها، عوامل و موانع شادی از بعد مادی و معنوی می‌پردازد.

فصل چهارم؛ پیامدهای مثبت و منفی شادی را بررسی نموده و تفاوت بین فرد شادمان و ناشادمان را تبیین می‌کند.

فصل پنجم؛ گزاره‌های منفی‌نگر دینی را راجع به شادی تحلیل نموده و جایگاه حزن و اندوه را از منظر قرآنی و روایات ارائه می‌نماید.

و در نهایت فصل ششم؛ بعد از ارائه الگوهایی از شادمانی، سرور و شادمانی را آسیب‌شناسی می‌کند.

امید است این پایان‌نامه برای طالبان علم و عمل مفید بوده و مقدمه‌ای برای انجام پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر در آینده باشد.

فصل اول

«کلیات»

- مقدمه
- بیان مسأله
- سؤال‌های تحقیق
- بیان ضرورت تحقیق
- فرضیه‌های تحقیق
- اهداف

مقدمه:

از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی که در آفرینش انسان به ودیعت نهاده شده، وجود هیجانهاست که نقش مؤثری را در زندگی ایفا می‌کنند. زندگی انسان در تمامی مراحل رشد، حتی از ابتدای کودکی، مملو از هیجانهاست که بدون آن حیات بشری روح، تیره و ماشینی می‌نماید. همچنین سلامت روانی و عقلانی انسان تا حدودی به سلامت هیجانی او وابسته است و در کارکرد آدمی و میزان موفقیت او تأثیر بسزایی دارد.

البته روان‌شناسی مدرن غربی، نیازهای روانی را از ورای بیماری‌های روانی دریافته است و لذا معمولاً به جنبه منفی هیجانها پرداخته‌اند و ناهنجاریها را مورد بررسی قرار داده و به درمان آن پرداخته‌اند، اما به جنبه‌های مثبت هیجان و راه‌های تقویت آن و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن، کمتر توجه داشته‌اند و به بیانی رساتر، آنها جنبه درمان را مقدم بر پیشگیری دانسته‌اند در حالی که اگر به هیجانهای مثبت پرداخته شود و راه‌های ایجاد و تقویت‌کننده آن بررسی و معرفی شود، دیگر لازم نیست در این حد گسترده به جنبه‌های منفی هیجانها و راه‌های درمان آن پرداخته شود.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین پدیده‌های هیجانی «شادی و نشاط» است که آثار مثبت و مهمی در زندگی انسان دارد، ولی متأسفانه در بین مباحث روان‌شناسی نیز نادیده انگاشته شده است، به طوری که بلاچیک در کتابش به نقل از یکی از روان‌شناسان چنین می‌گوید: یکی از غریب‌ترین نشانه‌های مشخص عصر ما که کمتر قابل تفسیر است غفلت روان‌شناسان از موضوع شادی است.^۱

غم و شادی یکی از لوازم زندگی است و کسی را نمی‌توان یافت که این دورا تجربه نکرده باشد، و این بدان خاطر است که ذهن آدمی پیوسته تحت تأثیر احساسات و ادراکات و تصورات خویش است و به دنبال این تصورات و احساسات حالتی غیر از آن احساس قبلی به انسان دست می‌دهد که یا او را در حالت شادی نگه می‌دارد و یا در حالت غم.

از طرف دیگر: انسان نیازهای گوناگونی دارد و همه به این مهم اعتراف دارند ولی آنچه که مورد اختلاف صاحب‌نظران است، چگونگی ارتباط این نیازها با یکدیگر و اولویت هر یک بر دیگری است،

۱. هیجانها ص ۱۸۷.

نظریه‌های گوناگونی در این باره از طرف مکتب‌های مختلف تربیتی و روان‌شناسی ارائه شده است،^۱ اما در یک نگاه کلی، می‌توان برای ارائه تقسیم دقیق و جامعی از نیازهای انسان، چنین عنوان کرد: انسان یا در جمع است و یا در تنهایی خویش، پس در هر دو حالت نیازهایی مطرح است، نیازهایی که در تنهایی انسان مطرح است عبارت است از:

۱. نیازهای طبیعی یا مادی «مانند نیاز به آب، غذا، هوا، مسکن و لباس و...»

۲. نیازهای روانی مانند نیاز به محبت، ستودن و ستاییده شدن و...»

۳. (نیازهای عالی: به خاطر حس کنجکاوی، انسان نیاز به شناخت دارد و به خاطر ضعف، نیاز به قدرت و به خاطر ترکیب خاص وی نیاز به حرکت دارد و شاید تنوع‌خواهی انسان‌ها را دلیل همین تحرک‌خواهی وی دانست.)

و البته همین نیازها باعث می‌شود که انسان اجتماعی شود^۲ در اجتماع رابطه‌ها با یکدیگر تراحم پیدا کرده و در نتیجه نیاز به «تنظیم و قانون‌گذاری» و نیاز به «تدبیر و رهبری» ایجاد می‌شود.

(با حرکت انسان در جامعه موانعی مطرح می‌شود که نیاز به «آزادی» را در او زنده می‌کند و در وسعت آزادی تجاوزها شکل می‌گیرد و نیاز به «عدالت» در انسان پدیدار می‌گردد و با رشد عدالت «رفاه» شکل می‌گیرد و در هنگام رفاه پوچی به وجود می‌آید در این هنگام نیاز به «عرفان و معنویت» مطرح می‌شود و با عرفان به «تکامل» می‌رسیم.)

اکنون انسانی که به تکامل در هر دو بعد آن یعنی تکامل صنعتی و انسانی رسید نیاز بزرگتری به نام نیاز به راه‌یابی و جهت‌یابی مطرح می‌شود که به تعبیر قرآن نیاز به هدی است یعنی انسان پس از رسیدن به تکامل ناچار جهت می‌خواهد و راهنمایی و هدایت می‌طلبد.^۳

البته باید توجه داشت که نیازهای روانی انسان همزمان با نیازهای مادی مطرح است و عدم تامین به موقع این نیازها می‌تواند حساسیت انسان را نسبت به نیازهای عالی به تاخیر بیندازد.^۴

۱. انگیزش و هیجان ص ۵.

۲. قرآن در اسلام، ص ۸۷.

۳. صراط، ص ۷۲.

۴. برخلاف نظریه «آبراهام مازلو» که نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی می‌داند که تا نیازهای پایین‌تر ارضا نشوند، دست‌یابی به نیازهای عالی ممکن نیست، بنگرید به مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، صص ۴۶۵-۴۶۹.

البته هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم که تأثیرگذاری حیطة شناختی بر حیطة عاطفی و نمود آن در حیطة رفتاری انسان، ضرورت پردازش به نیازهای شناختی انسان را برای ما روشن می‌کند.

اکنون که انسان با این همه نیاز همراه است در نتیجه باید مکتبی را انتخاب کند که تمامی این نیازها را پاسخگو باشد و انسان را سرشار کند، و لذا مکتب حق اینگونه شناسایی می‌شود.

قرآن خود را به «حق» معرفی می‌کند: «انا انزلنا الیک الکتاب بالحق»: ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم.^۱

پس باید به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه داشته باشد و راه‌حل‌های مطمئنی برای تأمین این نیازهای گسترده ارائه داده باشد که با توجه به جامعیت و خاتمیت دین اسلام برای تمامی عصرها و نسلها قابل تأمین می‌باشد.

اعتقاد ما بر این است که اسلام چنین هنری را دارد و به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه کرده است و اعتدال و اولویت را در تمامی دستورات رعایت کرده است و حتی از پست‌ترین نیازهای جسمی و جنسی انسان غافل نمی‌باشد و به تعبیر علامه طباطبایی که می‌فرمایند «مقتضای دین فطری این است که تجهیزات وجودی انسان الغا نشود و حق هر یک از آنها ادا شود و جهازات مختلف و متضاد مانند قوای گوناگون عاطفی و احساسی که در هیکل وی به ودیعه گذارده شده، تعدیل شده و به هر کدام از آنها تا اندازه‌ای که مزاحم حال دیگران نشود رخصت عمل داده شود و بالاخره در فرد انسان عقل حکومت کند نه خواست نفس و نه غلبه عاطفه و احساس، اگرچه مخالف عقل سلیم باشد و در جامعه نیز حق و صلاح واقعی جماعت حکومت نماید».^۲

البته باید توجه داشت کسی که می‌خواهد از دیدگاه اسلام در رابطه با شادی مطلع شود، باید از دریچه نگاه اسلام به دنیا و هویت انسان نیز آگاه باشد، زیرا اسلام یک مجموعه است و باید به اجزا آن در ضمن مجموعه پرداخته شود و از طرفی دیگر نباید از تأثیر حیطة شناختی بر حیطة عاطفی و رفتاری انسان غافل شد و به خاطر همین مسأله است که شادیه‌ها و غمها در میان ملت‌ها و گروه‌های مختلف، متفاوت است؛ زیرا شادی را نمی‌توان جدای از هدف انسانی معنا کرد و آن را تجربه نمود.

۱. سوره زمر (۳۹)، آیه ۲.

۲. قرآن در اسلام، ص ۱۲.

مسأله مهم این است که ما سعی کنیم از همان نگاه قرآن و اسلام به این نیاز توجه کنیم، نه این که مبنای فکری دیگران را بر قرآن تحمیل نماییم و آنچه را که خود می‌پسندیم به اسلام نسبت دهیم پس نوع نگاه انسان به اشیاء و چگونگی شناخت وی از هستی، ارتباط مستقیمی با شادمانی و آندوه او دارد. همانطور که «کایزل» در کتابش می‌نویسد: «به اطراف خود نگاه کنید که اندازه خوشی یا ناخوشی افراد به مقدار مال و... نیست بلکه بیشتر به طرز فکر هر فردی است.»^۱

لذا مومنان به لحاظ نوع شناخت و ایمان خود و دیدگاه خاصی که نسبت به دنیا و انسان دارند، شادی را در گستره بیشتری دنبال می‌کنند همانطور که آندوه برای آنها در گستره وسیعتری مطرح است. بدین منظور لازم می‌دانم مقدمات کوتاهی را تا آنجا که مربوط به بحث می‌شود ذکر نمایم:

الف: بهترین راه و رسم زندگی آن است که مناسب با ساختار وجودی انسان در همه ابعاد باشد نه آن که فقط جسم یا عاطفه و احساس منشأ آن باشد، همانطور که علامه طباطبایی می‌نویسد: «خدای متعال هر یک از آفریده‌های خود و از آن جمله انسان را به سوی سعادت و هدف آفرینش ویژه خودش، از راه آفرینش خودش راهنمایی می‌فرماید و راه واقعی برای انسان در مسیر زندگی، همان است که آفرینش ویژه وی به سوی آن هدایت و دعوت می‌کند.»^۲

ب: هیجانها (چه مثبت و چه منفی) تأثیرات بسیاری بر سلامت روانی و عقلانی انسان یا ناسالم بودن آن دارند و وضعیت هیجانی فرد می‌تواند نوع قضاوت‌های فرد را در مورد رفتار خود و دیگران تغییر دهد. احساسات و انفعالات مانند شاخ و برگ درختان هستند که از تحولات ریشه‌ها متغیر می‌شوند. حالات آدمی، تا آنجا که غیراختیاری باشد از نظر ارزش اخلاقی خنثی است.

هر انسانی غالباً وقتی متوجه خطری می‌شود حالت خوف بر او مستولی می‌شود و هنگامیکه به مطلوبی می‌رسد شادمان می‌گردد این حالات طبیعی است و خارج از اختیار خود انسان است ولی در ادامه آنها عکس‌العملهایی که انسان به تناسب این حالات انجام می‌دهد اختیاری است، (در ایجاد انفعالات نفسانی اختیار انسان گاهی در حدوث است و گاهی در بقاء و گاهی هم در حدوث و بقاء) و همچنین اختیار آدمی در ضعف و شدت و جهت‌دهی آنها نقش اساسی دارد.

۱. شادکامی، ص ۱.

۲. قرآن در اسلام، ص ۱۲.

صرف وجود انگیزه‌ها و تمایلات ملاک و معیار ارزش نیست؛ زیرا طبیعی و خدادادی است بلکه در جهت دهی و ترتیب اثر دادن به این تمایلات، در رعایت اندازه و تعدیل آنها که اختیاری هستند مورد مدح و ذم قرار می‌گیرند.

پس ملاک کلی ارزشیابی احساسات و انفعالات عبارت است از: تزامم و عدم تزامم آنها با کمالات نفسانی، البته در ارزیابی احساسات و انفعالات، ارزش آن مطلوب که می‌خواهد به دست بیاید یا از دست برود نیز بررسی می‌شود و تأثیر دارد.^۱ البته سیر انسان باید به سوی یک هدف مشخص و ارزنده باشد و لذا در اشباع انگیزه‌ها و تعیین کمیّت و کیفیتشان، آن هدف نهایی ارزشمند حاکم است.

ج: یکی از امتیازات انسان نسبت به بقیه جانداران عقل اوست که در کارهایش اگر برایش امکان فعالیت فراهم باشد، به مجرد امکان فعالیت به انجام عمل نمی‌پردازد بلکه نفع و ضرر آن کار را می‌سنجد و بعد اقدام می‌کند به عبارت دیگر: قوه عقل، سنجش آدمی است یعنی درک می‌کند انجامش خوب است یا بد، که در میان منطقیین و اصولیین به عقل عملی معروف است.^۲

د: تنها راه برای هدایت و تربیت انسان وحی است چرا که با توجه به عظمت انسان و نیازهای گسترده وی و استمرار او که با مرگ نابود نمی‌شود و ارتباطی که با کل هستی و جامعه و زمان گذشته و آینده دارد. علم و عقل و... به خاطر محدودیت و عدم احاطه‌شان، نمی‌توانند او را رهبر باشند و لذا در اینجا نیاز به وحی و هدایت او مطرح می‌شود. بسیاری از دانشمندان اعتراف دارند که انسان موجودی ناشناخته است^۳ و لذا با دیدگاه‌های انسانی نمی‌توان او را تربیت کرد و به مقام خلیفه الهی رساند، و از طرف دیگر می‌بینیم که جامعه پزشکی هر از چندی بر زیان بخش بودن فلان دارو اقرار می‌کنند پس چطور احتمال خطا در درمانهای روحی و روانی آنها از بین می‌رود در حالیکه روح انسان به مراتب وسیعتر از جسم می‌باشد و از همه مهمتر این نکته است که هر پزشکی در مورد تخصص خود و از زوایه دید خود به درمان می‌پردازد و به دیگر ابعاد کاری ندارد، همه اینها باعث می‌شود که برای تربیت و تعدیل هیجانها روی به برنامه‌های الهی بیاوریم تا به حیات طیبه^۴ دست بیابیم. اگر چه مهمترین وظیفه علم روان‌شناسی

۱- اخلاق در قرآن، صص ۳۴۵-۳۵۰

۲- اصول الفقه، ص ۲۲۲

۳- اشاره به کتاب انسان موجود ناشناخته (انثی)، الکسیس کارل، ترجمه عنایت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۱ ش.

۴- سوره نحل (۱۶) آیه ۹۷: (من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبه).

شناخت رفتار و کنترل آن است اما هرگز از حیطة تجربى فراتر قدم نهاده است و این به دلیل فلسفه اومانیستی است که بر غرب سایه افکنده است. پس باید این محدودیت ذاتی روان‌شناسی را بپذیریم و توقعی بیش از آنچه که خود این علم ادعا می‌کند نداشته باشیم. اوج شادی یک مؤمن و مسلمان در این است که رضایت الهی را کسب کند و آیا این را می‌توان از طریق روان‌شناسی به دست آورد؟

ه: از دیدگاه اسلام، دنیا محل ابتلاء و آزمایش است، دنیا را نباید عشرتکده دانست که صاحب آن، آنجا را برای عیش و نوش آدمها آفریده است بلکه دنیا همانند کوره آتشی است که برای ابتلاء و آزمایش انسانها آفریده شده است و بالطبع وجود رنج و بلا و غم و اندوه ناشی از حکمت آفریدگار آن خواهد بود. قرآن می‌فرماید: «وَلِنَبْلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقِصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم، و بشارت ده به استقامت‌کنندگان.^۱

دنیا خودش هدف نیست بلکه ابزاری است که می‌توان در آن به رشد و تکامل دست یافت و این معنا در بسیاری از روایات وارد شده است: «الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا»: دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شد، نه برای رسیدن به خود^۲ از دیدگاه اسلام، انسان برای خوبی آفریده شده است نه خوشی و ایندو با یکدیگر متفاوت هستند - البته چه بهتر که با یکدیگر جمع شوند - ولی در هنگام تعارض، این خوبی است که مقدم بر خوشی انسان می‌شود، همانطور که آمپول زدن برای یک کودک خوشایند نیست اما برای سلامتی وی خوب است و یا خوردن خربزه برای او خوشایند است ولی مضر به سلامتی وی می‌باشد و باعث تشدید بیماریش می‌شود. پس ملاک، خوبی است و این مطلب در این آیه با صراحت بیان شده است: «... عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»: ^۳ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.^۴

۱- سوره بقره (۱۲)، آیه ۱۵۵، (لازم به ذکر که معمولاً برای ترجمه آیات از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی استفاده شده است).

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳ ص ۷۳۸.

۳- سوره بقره (۱۲)، آیه ۲۱۶.

۴- برای اطلاع از دیدگاه اسلام نسبت به دنیا عنوانهایی که در روایات آمده است را به صورت خلاصه اشاره می‌کنم، دنیا مزرعه آخرت

و: در دستورات اسلامی هدف عالی است که همان رشد انسانها است ولی در عمل، برای افراد مختلف و گروههای سنی، تفاوت‌های رفتاری بسیاری را در نظر می‌گیرد؛ لذا می‌فرماید: «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر...»^۱: خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه زحمت شما را. که خطاب «کم» در آیه متوجه به کل جامعه اسلامی است و از طرف دیگر می‌دانیم که: «البلاء زین المؤمن»^۲: بلا و گرفتاری زینت شخص مؤمن است. و به تعبیر شاعر:

هر که در این بزم مقریر است
جام بلا بیشترش می‌دهند.

پس در تمامی موضوعات و دستورات باید به تفاوت درجات انسانها توجه داشت و از آن غافل نشد که خواهیم گفت: شادی و شناخت در رابطه تنگاتنگی به سر می‌برند و لذا بعضی از شادی‌های یک فرد، جزانده و غم برای فرد دیگر نیست و سرور و شادی بعضی افراد در نمونه‌هایی یافت می‌شود که دیگران آنرا مایه غم و اندوه می‌دانند و این دلیل آن است که نوع نگرشها و کیفیت و عمق شناخته در نوع رفتار و احساس آدمی اثر می‌گذارد و به تعبیر دیگر «برای ایجاد تعدیل یا تغییر شخصیت و رفتار افراد، ضرورت دارد که ابتدا درباره تعدیل یا تغییر افکار و گرایشهای فکری آنها اقدام شود»^۳.

ز: اسلام یک مجموعه است و در شناخت مجموعه، باید به تمامی جوانب آن توجه داشت و لذا اگر در راستای شناخت جزئی از این پیکره عظیم قدم بر می‌داریم، باید آن جزء را در ضمن «کل» بررسی کنیم و آن جزء را در همان جایگاهی که دین معرفی می‌کند، قرار دهیم و از زیر بناها و زمینه‌ها غافل نباشیم، پس در برخورد با آیات و روایات و مخصوصاً روایات کاربردی باید دقت بسیار کرد که به محض دیدن یک گزاره حکمی کلی ندهیم، و قرائن و ملابسات گزاره‌ها را فراموش نکنیم پس اگر شادی در روان‌شناسی بحث می‌شود باید به زمینه‌ها و ریشه‌های آن نیز توجه داشت که آبخور این سخن از کجاست و آیا دین نیز از همین منظر آن را مطرح می‌کند یا خیر؟ (گرچه در ظاهر هر دو یک حرف را

است، دنیا دو گونه است؛ دنیای رساننده و دنیای نفرین شده، دنیا بازاری است که گروهی در آن سود و گروهی دیگر زیان می‌بینند، دنیا متاع و کالایی کوچک است، دنیا گذرگاه است نه اقامتگاه، دنیا خانه‌ای است که به رنج و بلا پیچیده شده است. شادمانی دنیا همراه و مخلوط با اندوه است و... بنگرید به میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۸۴-۳۴۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ص ۱۲۸، خطبه ۸۳، ص ۱۳۰، خطبه ۱۱۱، ص ۲۱۰ خطبه ۱۴۵ ص ۲۶۶، خطبه ۲۰۳، ص ۴۲۴، نامه ۶۸، ص ۶۰۸ و...

۱- سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۵

۲- بحار الانوار ج ۶۷، ص ۲۳۱.

۳- قرآن و روان‌شناسی، ص ۲۸۲

می‌گویند.)

ح: انسان موجودی دو بعدی است: بعد طبیعت و بعد فطرت^۱ و تفاوت شخصیتی انسانها نیز در همین رابطه است: شخصیت طبیعت مدارانه و شخصیت فطرت گرایانه. آگاهی به خیر و شر و گرایش به تقوا و گریز از فجور مربوط به فطرت انسان است ولی طبیعت آدمی به تنهایی دوستدار اموری است که گاه با خواسته‌های فطرت مطابقت نمی‌نماید و انسان به دلیل دوگانگی است که صحنه وجودش به صورت بزرگترین میزبان رزم که همان جهاد اکبر است، در می‌آید.

انسان وارونه، انسانی است که طبیعت او بر فطرتش چیره آمده است، انگیزه عمل او فقط پاداش مادی است و در مقابل انسان مستقیم کسی است که دارای حاکمیت فطرت بر طبیعت است، حیات انسان را تا به ابدیت امتداد می‌دهد و انگیزه عمل او فقط خشنودی خالق خویش است. داستان ساحران و حضرت موسی (ع) گواه این مدعا است که در یک مرحله، همت جادوگران اجرت گرفتن از فرعون است و عمل را به انگیزه پاداش از فرعون انجام می‌دهند،^۲ ولی پس از آن که معجزه حضرت موسی (ع) را مشاهده کردند مرحله دوم آنها که همان فطرت آنان است خود را می‌نمایاند و لذا در مقابل رسول خدا تسلیم می‌شوند.^۳ اکنون پس از آن که مقدمات لازمی را کوتاه ذکر نمودیم به طرح دیدگاه در این زمینه می‌پردازیم:

دو دیدگاه کلی در زمینه شادی در اسلام وجود دارد که در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و هر یک مسیر افراط یا تفریط را پیموده‌اند:

دیدگاه اول: این دیدگاه شادمانی را مساوی با لذت‌گرایی می‌داند و طبیعتاً وقتی لذت‌گرایی در اسلام مذموم است هر آنچه که ملازم با آن باشد نیز نکوهش می‌شود و گاهی شادمانی را از این باب نکوهش کرده‌اند که آن را از جنس غفلت دانسته‌اند و در مقابل، اندوه را مساوی با هشیاری و بیداری قلمداد نموده‌اند. و بعضی افراد نیز شادی را همان پوچی و هرزگی معنا کرده‌اند یعنی عیش و نوش و رها کردن نفس اماره به حال خویش، و گاهی نیز در بعضی تعبیرها شادی را با عافیت جویی و راحت‌طلبی یک

۱- برای توضیح بیشتر بنگرید به شریعت در آینه معرفت، ص ۳۹۸؛ و نیرهای انسان از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۲۵۸.

۲- سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴۱.

۳- همان، آیه ۴۶.

کاسه کرده‌اند.

دیدگاه دوم: این دیدگاه بر آن است که شادی حد و مرزی جز اخلال به حقوق عمومی ندارد، و نه تنها ضد ارزشهایی از قبیل: معنویت، امنیت، آزادی، عدالت، رفاه و... نیست بلکه خود نیز یک ارزش می‌باشد و هیچ یک از انواع، ظهور و بروز شادیهها، توسط شرع ممنوع نشده است (از محرکات شادی مثل لطیفه گویی، گوش دادن به موسیقی‌هایی با ضرب و آهنگ شدیدتر و تندتر، خواندن آوازاها و آهنگها به طور فردی یا دسته جمعی و... تا نتایج شادی مثل پایکوبی و حرکات موزون، خندیدن و قهقهه زدن، کف زدن، سوت کشیدن، هلله کردن و...)^۱

این، خلاصه‌ای از دو دیدگاه می‌باشد، اعتقاد ما بر آن است که هیچ یک از دو دیدگاه صحیح نمی‌باشد و هر دو حد اعتدال در شادی را گذرانده‌اند، نه شادی و شادابی از جنس غفلت و هرزگی است و نه نامحدود بودن شادی عاقلانه است زیرا نمونه‌های واضح و روشنی از معصومان (ع) وجود دارد که خود دلیل بر آن است که شادمانی همجنس غفلت نیست - گرچه در واقع ممکن است در مواردی با آن جمع شود - و از طرف دیگر دین برای شادی ملاک مشخص کرده است و حدودی را برای آن گذارده است.

در این پایان نامه سعی بر آن شده است که این دیدگاه را اثبات نموده و بسترها و عوامل شادی را بیان نماییم.

بیان مسأله:

یکی از نیازهای روحی و روانی انسان که رمز موفقیت اوست، سرور و شادمانی است که بر اندیشه و رفتار آدمی تأثیرگذار است و زندگی را از رکود و ایستایی باز می‌دارد.

قرآن که هدایت انسان را بر عهده گرفته است مسلماً به این نیاز انسان نیز توجه داشته است و لذا در زمینه‌های مختلف از آن سخن به میان آورده است و بسترها و زمینه‌ها و الگوهای آن را ارائه نموده است، و در احادیث نیز از راه‌های بدست آوردن سرور و شادمانی، و آسیبهای آن گفتگو شده است.

۱- بنگرید به محدودیت شادی در ایران، علل و دلایل آن، آبان، شماره ۸۲، ۱۲، ۴، ۷۸؛ روستائیان شادترند، گفتگو با دکتر عبدالکریم سروش

در مورد شادی، همشهری ۷۸، ۱۲، ۱۷

سوال‌های تحقیق:

سوال‌های اصلی تحقیق که در این پایان نامه به دنبال جوابگویی به آن هستیم عبارتند از:

۱- مفهوم و جایگاه سرور و شادمانی در بیان قرآن و حدیث چیست؟

۲- راه‌های دستیابی به سرور و شادمانی ممدوح کدام است؟

۳- زمینه‌های مؤثر در تشکیل شخصیت مسرور و شادمان چیست؟

۴- پیامدهای سرور و شادمانی چیست؟

بیان ضرورت تحقیق:

امروزه در بسیاری از جوامع شرقی و غربی بیماری‌های روحی و روانی متعددی وجود دارد که زندگانی طبیعی را مختل ساخته و هزینه‌های گزافی برای درمان آنها پرداخت می‌شود اما همچنان مسأله لاینحل است این تحقیق می‌تواند در جهت رفع این معضل مفید باشد.

فرضیه‌های تحقیق:

۱- مفهوم سرور و شادمانی در بیان قرآن و حدیث نشاط و شادابی است که با سرخوشی و بی‌غمی متفاوت است.

۲- شادمانی و نشاط از دیدگاه قرآن و حدیث یکی از رمزهای سعادت دنیا و آخرت است.

۳- از راه‌های عمده دستیابی به سرور و شادمانی مثبت، خشنودی از خدا و ایمان به او و احساس توانگری و انجام وظایف اجتماعی است.

۴- آنچه که ما را به هدف آفرینش برساند ممدوح و اصیل است - خواه شادی باشد یا غم - و آنچه که ما را از هدف دور کند مذموم و ناپسند است.

۵- دینداری بر شادابی و سرزندگی انسان می‌افزاید و او را از تنبلی و کسالت می‌رهاند.

۶- اگر به دستورات اسلامی در مورد ایجاد شادمانی و برطرف ساختن اندوه توجه شود بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی از جامعه رخت برمی‌بندد.